



محمد صابری

نویسنده و منتقد

غالبا به دروغ متوسل نمی شوم چون از نظرم دروغ تبلور بیمار گونه ناتوانی است و مرا از نقطه مورد نظرم بسیار دور می کند. دروغ در جهان بینی گاری بیش از آنکه فریب کاری یا سرپوش گذاردن بر دور از دسترس ترین نقاط تاریک ذهن بیمار انسان ها باشد یک ناتوانی نابوسیده متصل است که فرد را در چنگال اضطرابی وحشتناک قرار می دهد، اضطرابی اهریمنی که باعث می شود دیگر نیروهای ذهن به رشدی نامتوازن در روح برسند، نیروهایی چون پلیدی و دیروزگی که خود منشأ جنایت های بی شماری می شوند. این ناتوانی در روشنائی تند حافظه ای عادت آمیز به تدریج نشو و نما می کند و به همزادی و نامیمون بدل می شود و فرد را در سرنوشتی ستمکارانه و دلخراش مدفون می سازد. راهکار گاری در برابر این اهریمن پلید پناه بردن به تکه شرافتمندی در درون که هر انسانی کمی از آن برخوردار است. غریزه جنسی از آن دست مفاهیمی ست که رومن گاری بیش از دیگر نام آوران قرن بیستم فرانسه در کتاب هایش به آن پرداخته و بی محابا و قبل از آنکه موضع رسمی خود را در برابر غریزه جنسی به زبان بیابورد در بدو امر علم روانکاوی را به شدت زیر سوال برده است: گاری بر روانکاوان زمانه اش می آشوبد که ریشه ناهنجاری های جامعه را باید در جایی دیگر جست و با آنکه غریزه جنسی در درازنای قرون و اعصار همواره نقش تعیین کننده ای در بسیاری از جنگ ها و کشتارها و جنایت های انسانی داشته اما نمی توان همه این سببها را و ذالت های بشری را در این یک بکسکه خلاصه کرد. گاری به قصد تابوشکنی نیست که بخواهد هر رفتار و گرایش پرخطر جنسی را از کیفرمعاف کند بلکه درصدد ایستادن در برابر کسانی ست که می خواهند با توجیه هوس های انسانی که به ظاهر چاره ناپذیرست راهی برای فرار به سوی جلو بیابند و از پاسخگویی در برابر هزاران جرم و جنایت رخ داده چه از جانب خودشان و یا نزد یکان شان طفره ببروند. بشر این خود فریب دائمی و ابدی می کوشد از طریق هنر والا و پر شکوه که پیوسته محکوم به ناکامی و نقض است پاسخ متقاعد کننده ای فراهم آورد. رومن گاری با آنکه هیچ گاه از میدان جنگ فرار نکرد و تا آخرین روز در کنار رزم آوران برای دفاع از هویت و اعتبار میهن اش باقی ماند اما بر اساس و بنیان تفکرات جنگ با هر انگیزه و هدفی مهر تایید نزد. او در چهره هم رزمانش البته کینه ها، نفرت ها و شهوات سیاسی ای عجیبی می بیند که بزرگ ترین آرزوی شان این بوده که نام خود را بالاتر از نام کشورشان قرار دهند. گاری اعتراف می کند که در میدان جنگ با آنکه اغلب لحظات خوشی را داشته اما همیشه برایش دشوار بوده که از روی حماقت محض – که آدم باید به آن مرحله برسد تا جنگ را راه حلی جدی به حساب آورد – به تلاشی عظیم دست بزند. از واقعیت های تلخی که گاری در جنگ به آن اشاره می کند یکی اینست که از هر ده خلبان تنها یکی از آنها پایان جنگ را می بینند و البته که او خود یکی از آن ده نفر بود. از رنج های آدم ها در طول دوره جنگ ترس است، نه ترس از به میدان رفتن و مردن که ترس از جاسوس، این را گاری در زندگی شخصی اش به کرات دیده و در داستان هایش نیز به آن اشاره کرده. ترسی که در ابتدا یک نفر و کمی بعدتر چند ده نفر و اندک زمانی تبدیل به یک اپیدمی همه گیر می شود. گاری این نوع ترس را مخصوص جوامع بیمار و در آستانه زوال می داند. او هم چنان که در میدان نبرد می جنگد اذعان می کند که نمی تواند یکسره سیاسی باشد، چراکه پیوسته خود را در دشمنان اش باز می شناسد و کمی بعد اعتراف می کند که این دیگر بی ثباتی مفرط است.



ترجمه؛ معاوضه تجربیات انسانی در بستر تاریخ است

ایشان راجع به عرفان شاعر بزرگ هم حوی (شاعر کلاسیک کرد - ۱۸۳۶ تا ۱۹۰۶) تحت عنوان «در جدال میان ظاهر گرایی و باطن گرایی، تصویر معشوق و سرچشمه های عشق» است. او به چندین زبان از جمله فرانسوی و اسپانیولی ترجمه کرده و می کند. هم اکنون هم در دانشگاه اسپانیا تدریس می کند. نکته ای که نیاز است در این باب بگویم این است که به دلیل فضا شاید نگاه تک سویه ای که در فرهنگ عمومی ایرانی هست غالباً فقط یک یا دو نویسنده از طریق ترجمه برجسته می شوند مثلاً اگر ما بپرسند نویسندگان نامدار افغانی چه کسانی هستند ما شاید فقط خالق «بادبادک باز» یا چند شاعر دیگر را بشناسیم در صورتی که ادبیات افغانستان ادبیاتی غنی و زایا بوده است. حتی ادبیات فارسی در دوران کلاسیک هم مدیون تلاش ادبی شاعران افغانستان بوده است چه پرسد به دوران معاصر و روزگار ما. یعنی ذوق و ذائقه ادبی آن ها هیچ وقت فروکش نمی کند، اما به دلایل زیاد ما شناخت محدودی از این ادبیات داریم. در باب ادبیات کردی هم همین طور است ادبیاتی که در عمق میدان های جنگ و میان تراکم دود و قطار تانک و انفال و شیمیایی خلق کرد... صدای انسان معاصر و رنج هایش شد، زیبایی شناسی آفرید. ولی باز به دلایلی فقط چند نویسنده از طریق ترجمه به فارسی برجسته شدند مثلاً آن برخی آثار ادیب بزرگ بختیار علی

به دلیل ویژگی های خاص هر زبان چه به لحاظ فرمی و چه به لحاظ آوایی انتقال آنها به هر زبانی به سادگی امکان پذیر نیست، اما پختگی و زیر دستگی مترجم می تواند تا حد زیادی این مسأله را امکن کند

من اساساً با نوشتن راحت تر هستم و ترجمه را خیلی سخت و ادبسیای پر خوان و دردسر آفرین می دانم اما در راستای نگاهی که به شعر و نقش وجودشناختی شعر در رشد انسان و غیرایدئولوژ کردن آدمی... و با همان نگاه نیچه ای و شوق هایدگری برای شعر و وجود داشتم، بازگشت زردشت را انتخاب کردم، همان طور که قتمن اثری که در عین اینکه ملاحظات انتقادی بر آن دارم اما صدای شعری گوشنوازی است که از شعار و کلیشه گوویی دلنوشته ها و دستنوشته ها و پانوشته ها و... باب شده که تحت عنوان شعر در کردستان منتشر می شوند تهی است، این اثر هم طرح دارد، هم آغاز و پایان بالاخره این نهایت یک قصیده بلند است با زبان شعری و نفس داستانی و روایی...
آیا کتاب دیگری در دست ترجمه یا آماده انتشار دارید؟
یک کار دیگر از همین نویسنده در ژانر رمان تحت عنوان «کشتی ها بر نمی گردند» در دست ترجمه دارم و این کار را هم از این جهت انجام می دهم که جهان داستانی این نویسنده هم شناخته شود و مخاطبان فارسی زبان با جهان پرتلاطم و متفاوت این نویسنده در حوزه داستانی هم آشنا شوند. همان طور که گفتنم ترجمه برای من تجربه سختی هست ولی درگیر می شوی... کلمات افسونگرتر از آند معرفت و تکنولوژی و فلسفه و همچنین ارزش های نامأنوشش برای نویسنده ای شرقی تجربه کرده اند. به نوعی کتاب بازگشت زردشت روایت این سفر و این تجربه نسلی نویسنده هم هست، مواجه با غرب و زیستن در آن و استنکاف از شرق و در عین حال نوستالژی برایش. ایشان در ادبیات کردی جایگاه شایسته و شناخته شده ای دارد، بیش از ۳۵ اثر در حوزه های رمان و کتاب شعر و پژوهش و اندیشه اعم از ترجمه و نوشتار به زبان کردی و فرانسوی دارند و تز دکتری



احمد ملا از نویسندگان پیشکسوت و اندیشمندان نسل فرهاد پیربال و بختیار علی و در کل نسلی است که جهان جنگ و خون را دیده اند، همچنین کسانی هستند که جهان غرب را با دانش و معرفت و تکنولوژی و فلسفه و همچنین ارزش های نامأنوشش برای نویسنده ای شرقی تجربه کرده اند. به نوعی کتاب بازگشت زردشت روایت این سفر و این تجربه نسلی نویسنده هم هست، مواجه با غرب و زیستن در آن و استنکاف از شرق و در عین حال نوستالژی برایش. ایشان در ادبیات کردی جایگاه شایسته و شناخته شده ای دارد، بیش از ۳۵ اثر در حوزه های رمان و کتاب شعر و پژوهش و اندیشه اعم از ترجمه و نوشتار به زبان کردی و فرانسوی دارند و تز دکتری

یک کتاب به تنهایی را از نظر فروش بررسی کنیم عنوان پرفروش ترین کتاب ها را باید بررسی کنیم. این در حالی است که در آغاز ۲۰۲۲ کتاب فروشان و ناشران فرانسوی با انتشار آمار که حکایت از افزایش ۵.۱۲ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۲۰ داشت، تنها در آغاز سال یعنی در ماه های ژانویه و فوریه انتشار ۵۴۵ عنوان رمان جدید را در برنامه گذاشتند که به معنی افزایشی نزدیک به ۱۰ درصدی در مقایسه با سال پیش از آن بود. در آغاز سال تحصیلی جدید یعنی در ماه های آگوست و سپتامبر نیز ۴۹۰ رمان با وجود نگرانی هایی که برای قیمت و کمبود کاغذ وجود داشت منتشر شد. اما فهرست پرفروش ترین کتاب های سال ۲۰۲۲ فرانسه نیز این چنین است: جوتل دیگر نویسنده ۳۷ ساله سوئیس با کتاب «ماجراهای آلاسکا سندرز» که ششمین رمان وی است، بیش از ۴۵۰ هزار نسخه فروخت. گیوم موسو نیز ۳۶۰ هزار نسخه از رمان جدیدش «انجلیک» که بیستمین رمانش است، فروخت.

به زردشت نیچه نیست. لطفاً درباره این مشابهِت ها توضیح دهید.

بله این بیان باید بیشتر روشن شود، در وهله اول بگویم که مقایسه سیاق و زمینه تجلی زردشت در بازگشت زردشت به عنوان کاری روایی شعری با «چنین گفت زردشت» نیچه در سیاق فلسفی - ادبی خاص نیچه مقصود نیست بلکه مقصود نگاهی است که به زردشت به عنوان مبدع و موجد دوسویه گرایی خیر و شر و تاریکی و روشنی و... وجود دارد، زردشت نیچه از غار تاریک خودش بیرون می آید و با مردم و جهان و جامعه درمی آمیزد، از هیچ اندیشه مخالفی گریزان و رویگردان نیست، حتی تمسخرها را شایسته تأمل می داند، حکمتی سیال و عمومی و درخشان را بازگو می کند، حرف های غیرایدئولوژیک و متناقضی می زند، او همه کس و هیچ کس است. زردشت احمد ملا هم زردشتی است، اگرچه شاید نه به اراده خویش اما راه رفتن و شدن را می پیماید، به تاریخ سرک می کشد، معنای واژگان را وارونه می کند، از خدا و جهان و یار و کلمات پرسش می کند، انسان بودن را ازج می نهد، اراده گرایی و آگاهی تاریخی و انسانی در او موج می زند. او یک سوژه سیال غیرایدئولوژیک است.

ترجمه این اثر از زبان کردی به لحاظ ویژگی های آوایی و فرمیک چه دشواری هایی را برای شما به همراه داشته است؟

ترجمه هیچ اثری ساده نیست نه تنها ترجمه هیچ اثری بلکه ترجمه نوشته روی یک تابلو هم گاهی اوقات به یک چالش تبدیل می شود. در حوزه ادبیات و خصوصاً شعر، ترجمه مسأله ای پیچیده و حساس می شود، چون فارغ از مسأله زبان و تعبیر و ساختار و فرم، تاریخ زبان و هویت واژگانی هم مسائل بسیار مهمی هستند. منظور از این حرف این است که گاهی واژه یا تعبیری در زبان کردی خیلی دقیق و سراسر است در متنی جای خود را گرفته است، اما دقیق ترین معادل را نزدیک ترین هم که به فارسی یا فرانسوی پیدا کنی باز احساس نوعی ناکامی و عدم رسایی و گویایی بر مترجم عارض می شود که من فکر نمی کنم صرفاً یک حس باشد اگر هم حس باشد حسی اصیل است که با زبان و جهان و به تبع با وجود درهم تنیده است. شاید هم حس کاذب با نوعی ناکامی ضروری

ترجمه هیچ اثری ساده نیست نه تنها ترجمه هیچ اثری بلکه ترجمه نوشته روی یک تابلو هم گاهی اوقات به یک چالش تبدیل می شود

است که صدها رساله و پایان نامه درباره این شخصیت و نقش نمادین و جمعی او در ادبیات کردی نگاشته شده است و در شعر شاعر بزرگ نوگر! شیر کو پیکس از جمله در رمان شعر «دره پروانه» نالی به این معنا ظاهر می شود. نشانه هایی چون دود و آتش و گورستان و راه و کوه... جداز اینکه نمی شود از رگه های نمادین تهی شوند دال بر وضعیت کردبودگی در جهان کنونی با دقیق تر بگویم در جهان پس از آغاز قرن بیستم است. درهم تنیدن این نشانه ها و نمادها در بازگشت زردشت در مانیفستی انسانی پدیدار می شود. شعر و ادبیات به این دلیل برای این گفت وگو انتخاب شده اند که از منطق بسته سیاسی و اقتصادی می توانند فراتر روند. به نظرم نمادها و نشانه ها در این اثر اینگونه در زبان شعر صورتبندی شده اند که به این هدف بزند نمادها و نشانه ها در این اثر رنج و امید توأمان هستند که به سمت رستگاری طی طریق می کنند؛ چیزی که باید همیشه باشد؛ تلاش برای امیدواری، رستگاری و گفت وگو. زردشت در این کتاب از جنگی می گوید که زردشت تاریخی از دعوت به آن ابایی نداشت و به قولی نیچه به این دلیل باز زردشت سر سازش نداشت چون بینانگذار تفکر دوگانه گرایی و دوالیسمی بود که در آن ما باید میان سیاه و سفید یکی را انتخاب می کردیم. میان نور و تاریکی... غافل از اینکه این دو در هم تنیده اند و معنا و مفهومشان به هم گره خورده است یکی آن دیگری و آن دیگری آن یکی است در شکل و بافتی دیگر، در جهان بینی ای دیگر. بازگشت زردشت اینگونه است!

در پیش گفتار آمده که باز آفرینی زردشت در این اثر منش و وجهی تماماً انسانی دارد. احمد ملا در نگارش این اثر از چه ویژگی های زبانی و روایی بهره برده است؟

زبان اثر نسبتاً روان است، اما این تنها سویه زبانی اثر نیست و در خیلی جاها زبان شکسته می شود، افعال و اسامی و صفت ها شکل نامنتزافی پیدا می کنند و این به دلیل وضعیتی است که راوی در آن جهان را می بیند، تراژدی، جهان غریب، چندزبانی، سنت های ادبی و فرهنگی که در عین شکوهمندی تنها خاطره ای درخشان هستند و نوای نوعی نوستالژی را سرمی دهند، بنا به وضعیت راوی و بخش های شگنانه اثر هم زبان روایت و هم کلیت بیان و تصویرسازی و ریتم و وزن تغییر می کنند. ولی در بخش های پایانی اثر، راوی می خواهد زبانی نو دربندداز تا جهانی نو خلق کند، با نگاهی متافیزیکی و آفرینش محورانه، بر همه اشیا و عناصر دوباره اسم می گذارد، بر باد و یار و موسیقی و زندگی و زبان و وجود و رستگاری... اینجا جایی بود که من برای ترجمه دچار مشقت های فراوانی شدم.

چنانچه گفته شده این کتاب بی شباهت

بازار نشر فرانسه در سالی که گذشت؛

گیوم موسو پرفروش ترین نویسنده ۲۰۲۲ فرانسه شد

منتشر کرد. این رمان که آغاز پاییز وارد بازار کتاب فرانسه شد، داستانی تعلیق آمیز دارد و در پاریس و ونیز می گذرد و شخصیت اصلی آن پلیسی بازنشسته است. موسو ۴۸ ساله در سال ۲۰۰۳ تصادفی شدید را تجربه کرد و همین تصادف موجب شکل گیری رمان «و پس از...» شد که در مورد مردی است که از مرگ بازگشته است. وی سال ۲۰۰۴ با انتشار این کتاب به پرفروش ترین نویسنده فرانسوی بدل شد و این موفقیت را هر سال با کتاب های دیگرش چون «دختر کاغذی»، «سنترال پارک»، «دختر و شب»، «آوی فرشته» و «زندگی مخفیانه نویسنده گان» و «شناخته های سن» دنبال کرده است. البته موسو این عنوان را با فروش کتاب های مختلف خود کسب کرده است. اگر بخواهیم

گیوم موسو برای دوازدهمین سال متوالی عنوان پرفروش ترین نویسنده سال فرانسه را در سال ۲۰۲۲ از آن خود کرد. به گزارش مهر به نقل از اکسپرس، گیوم موسو با فروش بیش از یک میلیون نسخه کتاب در فرانسه در سال ۲۰۲۲، عنوان پرفروش ترین نویسنده سال را کسب کرد. ناشر وی از این دستاورد به عنوان یک دستاورد بی سابقه برای نویسنده ای یاد کرد و گفت تا به حال نشده که هیچ نویسنده ۱۲ سال متوالی رتبه یک کشورش باشد. کتاب های موسو به یش از ۴۵ زبان ترجمه شده و در مجموع ۳۵ میلیون نسخه از کتاب های وی در سراسر جهان فروخته شده است. وی که هر سال یک کتاب منتشر می کند سال ۲۰۲۲ بیستمین رمانش را با عنوان «انجلیک»